پاییز ۱۴۰۲ دکتر ریواده زمان آپلود: ۱۳ آبان

نام اعضای تیم و شماره دانشجوییها

سید ابوالحسن رضوی (۴۰۲۲۱۲۶۵۵) ایمان محمدی (۹۹۱۰۲۲۰۷) علی اسلامی نژاد (۴۰۲۲۱۱۷۸۹) شماره گروه: ۲۰

یک قانون سرانگشتی در فاز تحلیل این است که «افراد تیم ایجاد در فاز تحلیل باید بر نیازمندی هایی تمرکز کنند که در حوزه ی مسئله و کسب و کار قرار دارد».

الف) چه نوع نیازمندی هایی در این حوزه ها نیستند؟

ب) مثال بزنید.

جواب سوال ١

مقدمه

در فاز تحلیل مهندسی نرمافزار، تمرکز اصلی بر شناسایی و تعریف نیازمندیهای کاربردی است که مستقیماً به حوزهی مسئله و کسب و کار مرتبط هستند. با این حال، برخی نیازمندیها وجود دارند که معمولاً در این فاز در نظر گرفته نمی شوند.

نیازمندیهای غیرمرتبط

- الف) نیازمندیهای غیرعملکردی: این نیازمندیها شامل مواردی مانند امنیت، پایداری، کارایی و استانداردهای کیفی می شوند. به عنوان مثال، الزامات امنیتی یا زمان پاسخ سیستم. این نیازمندیها بیشتر به چگونگی ارائه سرویس توسط سیستم مربوط می شود تا خود سرویس
- ب) نیازمندیهای فنی: اینها شامل انتخابهای فناورانه مانند پلتفرمهای سختافزاری و نرمافزاری، زبانهای برنامهنویسی و ابزارهای توسعه میشوند. این نیازمندیها بیشتر به راه حل فنی برای تحقق نیازمندیهای کاربردی مربوط میشوند.
- ج) نیازمندیهای مدیریتی یا سازمانی: این نیازمندیها به فرایندهای داخلی سازمانی، رویههای مدیریت پروژه و سیاستهای کلان سازمانی مربوط میشوند. به عنوان مثال، نیازمندیهایی مانند رعایت استانداردهای خاص یا روشهای گزارش دهی.

مثالها

- نیازمندی غیرعملکردی: در نظر گرفتن استانداردهای امنیتی بالا برای یک سیستم بانکی آنلاین که باید تراکنشها را به شکل امن انجام دهد.
- نیازمندی فنی: استفاده از یک پایگاه داده خاص مانند MySQL به دلیل تجربه قبلی تیم توسعه در استفاده از این فناوری.
- نیازمندی مدیریتی: توسعه نرم افزار با استفاده از روش Agile به دلیل نیاز سازمان به انعطاف پذیری بالا و بازخورد سریع از کاربران.

- ۱. معماری یک خانه یا ساختمان را در نظر بگیرید و با معماری نرمافزار مقایسه کنید.
- ۲. رشته های معماری ساختمان و معماری نرمافزار چه شباهت هایی دارند؟ چه تفاوت هایی دارند؟

جواب سوال ۲

۱. مقایسه معماری خانه/ساختمان با معماری نرمافزار

معماری ساختمان و معماری نرمافزار، هر دو فرایندهای برنامهریزی، طراحی و سازماندهی هستند که برای ایجاد یک محصول نهایی پیچیده و کاربردی استفاده میشوند. در هر دو حوزه، معمار باید مجموعهای از الزامات و نیازمندیها را در نظر بگیرد، راهحلهای مختلف را بررسی کند، و ساختاری منطقی و کارآمد را تعریف کند.

شباهتها:

- برنامهریزی و طراحی: هر دو نیازمند فرایندی برای تعیین نیازمندیها، محدودیتها، و هدفهای پروژه هستند.
 - اصول اساسی: در هر دو حوزه، اصول اساسی مانند کارایی، پایداری، و کاربرپسندی حائز اهمیت هستند.
 - توجه به جزئیات: جزئیات در هر دو حوزه نقش کلیدی در موفقیت نهایی پروژه دارند.

تفاوتها:

- ماهیت محصول: محصول نهایی در معماری ساختمان فیزیکی و در معماری نرمافزار مجازی است.
- روند توسعه: معماری نرمافزار اغلب شامل فرایندهای تکراری و انعطاف پذیر است، در حالی که ساختمانها معمولاً بر اساس طرحهای نهایی و دقیق ساخته می شوند.
- تغییر و نگهداری: نرمافزارها معمولاً برای تغییر و بهروزرسانی طراحی میشوند، در حالی که ساختمانها به ندرت برای تغییرات عمده طراحی میشوند.

۲. شباهتها و تفاوتهای رشتههای معماری ساختمان و معماری نرمافزار

شاهتها:

- تفکر سیستماتیک: در هر دو رشته، لازم است که معمار تفکر سیستماتیک داشته باشد و بتواند اجزای مختلف را به صورت یک کل هماهنگ در نظر بگیرد.
 - حل مسئله: هر دو رشته به شدت بر حل مسئله و ارائه راه حلهای خلاقانه تمرکز دارند.
- نیاز به همکاری و ارتباطات: در هر دو رشته، معماران نیاز به همکاری نزدیک با سایر اعضای تیم و ذینفعان دارند.

تفاوتها:

- مهارتهای تخصصی: مهارتهای مورد نیاز در هر رشته متفاوت است؛ مهندسی نرمافزار به دانش برنامهنویسی و فناوری اطلاعات نیاز دارد، در حالی که معماری ساختمان به دانش مهندسی ساختمان و طراحی نیاز دارد.
 - محیط کاری: محیط کاری و ابزارهای مورد استفاده در هر رشته متفاوت است.
 - طبیعت پروژهها: نوع و ماهیت پروژهها در هر دو رشته به طور قابل توجهی متفاوت است.

تفاوت فعالیت های تحلیل و طراحی سیستم های نرمافزاری را توضیح دهید. اطمینان حاصل کنید که در توضیحات خود به موارد زیر بپردازید:

- ارتباط آن دو با یک مساله و راه حل آن
 - اهداف و تمرکز هر یک
 - سطح انتزاع هر كدام
- تقدم و تاخر هر یک از این دو فعالیت
 - تفاوت مدلسازی ذیل هر فعالیت

جواب سوال ٣

ارتباط با مسئله و راهحل

تحلیل: در تحلیل نرمافزار، مسئله مورد بررسی قرار میگیرد. هدف این است که دقیقاً تعریف کنیم مسئله چیست و چه نیازهایی باید توسط نرمافزار برآورده شود.

طراحی: در مرحله طراحی، راهحلهای ممکن برای مسائل تحلیل شده مطرح میشوند. این مرحله شامل تعیین چگونگی عملکرد نرمافزار برای برآورده کردن نیازهای شناسایی شده است.

اهداف و تمرکز

تحلیل: تمرکز در تحلیل بر روی شناسایی و فهم نیازمندیهای کاربر و مشخص کردن آنچه سیستم باید انجام دهد، است.

طراحی: هدف از طراحی ایجاد یک معماری قابل اجرا برای نرمافزار است که نیازمندیهای تحلیل شده را پوشش دهد.

سطح انتزاع

تحلیل: در تحلیل، سطح انتزاع بالاتر است. این مرحله بیشتر بر روی "چه" تمرکز دارد تا "چگونه". طراحی در سطح انتزاع پایینتر قرار دارد و بیشتر به جزئیات "چگونه" میپردازد.

تقدم و تاخر

تحلیل: معمولاً قبل از طراحی انجام میشود. ابتدا باید مسائل و نیازمندیها را درک کرد. طراحی: پس از تحلیل انجام میشود و بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل، راهحلها طراحی میشوند.

تفاوت در مدلسازی

تحلیل: مدلسازی در تحلیل بر روی نمایش نیازمندیها و فرایندهای کسبوکار تمرکز دارد. طراحی: در طراحی، مدلسازی به توصیف معماری سیستم، کلاسها، اشیاء، و روابط بین آنها میپردازد.

در یک فروشگاه تحت وب، کسب و کار مربوطه وظیفه واسطه گری را بر عهده دارد و تعداد زیادی مشتری را به تعداد زیادی انباردار متصل میکند. هم مشتریان و هم انبارداران در این سیستم دارای حساب و کیف پول هستند، و هر خرید به طور مستقیم پول را از کیف پول مشتری به کیف پول فروشنده منتقل میکند (بدون هیچ هزینهای).

مدل زیرساختی که برای این فروشگاه تعریف شده است به عنوان مدل backend شناخته می شود و برای بخشی از کد زیرسیستم طراحی شده است. برای سهولت در توضیح سوال، بسیاری از جزئیات (داده ها و عملیات کلاسها) حذف شده اند و تمرکز بر روی کلاس ها و روابط بین آن ها است.



١. بازسازى مدل تحليل

مدل تحلیل متناظر با مدل طراحی فوق از دست رفته است. آن را بازسازی کنید. (نکته: مدل تعبیه شده باید سادهتر و کوچکتر از مدل طراحی باشد.)

۲. استفاده از الگوهای تحلیل فاولر

در فصلهای ۸ تا ۱۱ کتاب «پرسمن»، به الگوهای تحلیل - به خصوص الگوهای تحلیل فاولر - اشاره شده است. کتاب فاولر را می توانید از لینک مذکور دریافت کنید. از الگوی «موجودی و حسابداری - تراکنش» (فصل ۶ کتاب الگوهای تحلیل فاولر) استفاده از این الگو غنی سازی کنید. کنید.

٣. توجيه بهبودها

دو مورد از بهبودهایی که این الگو به ارمغان می آورد را توجیه کنید.



جواب سوال ۴ جواب بخش اول



جواب بخش دوم



جواب بخش سوم

بهبود اطمینان از صحت تراکنشها

در مدل قبلی، هر تراکنش به صورت جداگانه ایجاد می شد، بدون اطمینانی از اینکه عملیات مرتبط با آن قرینه و صحیح باشد. این امر خطر ایجاد تراکنشهای نامعتبر را افزایش می داد، که می توانست منجر به خلق یا حذف نادرست مقداری پول شود. با اعمال الگوی فاولر، هر تراکنش به وضوح با یک عملیات متقابل مرتبط می شود. این امر به وسیله تعریف دو transaction برای هر entry و تضمین اینکه جمع مبالغ در هر entry صفر باشد، اطمینان از صحت و تعادل مالی را فراهم می کند.

افزایش شفافیت و ردیابی تراکنشها

در مدل قبلی، برای هر طرف در تراکنش، یک transaction جداگانه ایجاد می شد و رابطه میان این transaction ها مشخص نبود. در نتیجه، دسترسی به اطلاعات کامل تراکنش برای هر دو طرف دشوار بود. با به کارگیری الگوی جدید، هر transaction های مربوط به یک مبادله مالی است. این ساختار جدید امکان ردیابی و شفافیت بیشتری را در مورد جریانهای مالی فراهم میکند، زیرا تمام مبادلات مالی مرتبط با یک فرد به راحتی قابل شناسایی است.

در این بخش، پنج مفهوم مدلسازی عمده در مهندسی نرمافزار - CRC Card ، User Story ، UML ، DFD و CRC Card ، User Story ، UML ، DFD مورد بررسی و مقایسه قرار دهید از جنبههای مختلف.

- چه چیزهایی را مدل میکنند
- آنها را چگونه مدل میکنند
- کجا/در چه زمانی استفاده میشوند
- تفاوت سطح انتزاع در مدلسازي

جواب سوال ۵

تحلیل روش طراحی ویژگیرانه (نسخه سوم) را به دقت مطالعه کنید و تحلیل خود را از این روش براساس موارد زیر بیان کنید.

مستندات معماري

شامل تصمیمات، عقلانیت، دیدگاههای معماری، راهحلهای جایگزین، بازنمایی و سایر موارد اشاره شده در کتاب.

نگرانیهای همه انواع ذینفعان

شامل کاربر نهایی، مشتری، تیم ایجاد، مدیر پروژه و ...

چگونگی کاربرد مفاهیم، اصول، الگوها و سبکهای معماری

بررسی نحوه کاربرد این مفاهیم در روش طراحی ویژگی رانه.

توجه کنید پوشایی و دقت پاسخ شما به عنوان ملاک مهم ارزیابی در این سوال در نظر گرفته می شود.

جواب سوال ۶